



به مناسبت نزدیک شدن به پایان سال تحصیلی

کندوکاوی در کاستی‌ها و نیازهای آموزش و پرورش



در باب اهمیت و جایگاه آموزش و پرورش از جنبه‌های تئوری و نظری سخن‌های بسیاری گفته و نوشته شده است، تا جایی که هیچ سخن و نوشتاری بدون اهمیت به این موضوع متعقد نمی‌شود...

این گونه‌ها و اصولاً فرصت‌زمانی برای طرح باید‌ها و نیایدهای تربیتی وجود ندارد. غرق شدن دانش‌آموزان در فضای حقیقی (مجازی) و آسیب‌های متعددی که به دلیل انتشار ویروس کرونا و آموزش به اصطلاح مجازی طی چند سال پیگیره بیمار تعلیم و تربیت را مزمن‌تر کرد و خانواده‌ها اکنون متوجه آسیب‌های آن دوران شده‌اند نمونه این فراموشی تربیتی و آموزش است.



تقدیر از اوامتحان و آزمون می‌گیرند تا بالاخره نمره‌ای یادآور و این درس را طی کنند. *آموز خانواده‌ها چه خواهند و چه نخواهند می‌بایست تا طرح‌ها و برنامه‌های مدارس خود را وفق دهند، این تطبیق حتی در مدارس به نام غیر دولتی و غیر انتفاعی و هیات انسانی، به گونه‌ای است که خانواده نوع خدمت‌رسانی و انتخاب می‌کنند و مدرسه برنامه‌ها را اجرا می‌سازد و در فضای چنین مدرسه‌ای دیگر سخن از این نیست که چرا

محمدرضا رضائی، دبیر بازنشسته، شهرضا (استان اصفهان): محرومیت آموزش و پرورش بر ۲ رکن معلم و دانش‌آموز؛ و تبیین رابطه آنان بر اساس روابط تربیتی و آموزشی، با رویکرد‌های مدیریتی و برنامه‌ریزی‌های آن، فرهنگ جامعه و رشد و تعالی آن را در بر می‌گیرد. در نگاه درون‌سازمانی به آموزش و پرورش آنچه امروز دیده می‌شود، این است که: *معلمی و رسالت آموزشی او امروز در ساعات موظف تدریس خلاصه شده است وظیفه‌ای که هر روز با برنامه‌هایی تکراری و خسته‌کننده همراه است. تدریس‌های تکراری بدون اضافه کردن نکته‌های تازه در تدریس و تکرار آنچه سال گذشته گفته شده است، در آموزش امسال از این‌بهره و مدارس و شوراهای آموزشی دبیران کمتر نشانی از طرح‌ها و برنامه‌ها و یا راه‌حل‌های بنیادین می‌توان یافت با وجود چنین شرایطی که به جز چشم‌انتظاری برای دوران بازنشستگی نیست، چگونه می‌توان انتظار تحول و سازندگی در تعلیم و تربیت را داشت؟ *کتاب‌های درسی به عنوان منبع اصلی تدوین برنامه‌های آموزشی در درس‌های گوناگون، فقط با تکیه بر محفوظات و مطالبی که کمتر با زندگی واقعی دانش‌آموزان رابطه



دلنگی برای همکار سفر کرده مهاجر...



دکتر عبدالحمید حسین‌نیا: دکتر... گل سرسبد میلادی هاست، همه می‌دانیم که او بیشترین تأثیر را در بیمارستان میلاد و نیز در انجمن جراحان کوش، خلق، بینی و سر و گردن ایران گذاشته است، وقتی گفت که چمدان سفر را می‌بندد، دلم ناخودآگاه گرفت: باید امشب بروم، باید امشب چمدانی را که به اندازه پیراهن تنهایی ام جا دارد، بردارم و به سستی بروم که درختان زیبایش پیداست، رو به آن وسعت می‌بازم که همواره مرا می‌خواند و خانم دکتر... که از حقوق پایمال شده‌اش می‌نالد و تعداد بیمارانش را کم کرده است تا او هم مهاجرت کند: «راست چون سوسن و گل در اثر صحت پاک/ بر زبان بود مرا آنچه تورا در دل بود» و من همچون آفتاب‌بام لب‌نشسته رو به غروب و قبله، واپسین ایام عمرم را به شماری معکوس آغاز کردم: چرخ یک کاری در حسرت و اماندین اسب در حسرت خوابیدن کاریچی مرد کاریچی در حسرت مرگ! استاد سخن: سعدی با چه حزن سرشک‌آلود می‌سرلاید: بنگار با تکریم چون ابر در بهارن کر سنگ ناله خیزد روز و داغ باران با ساریان بگوید احوال چشم

عاقبت حمایت از تولید داخلی!

محمد ماکویی: قفل ماشین را شکسته، اما نتوانسته بودند به درون آن، راه پیدا کنند، قفل باز آوردیم و گفت که شانس آوردی ماشین خارجی داری، زیرا اگر تومبیل ایرانی بود، به راحتی آب خوردن خود با محتویات داخل آن راه سرفت می‌بردند! به این فکر کردم که اگر به هنگام خرید خودرو به هدف حمایت از تولید داخلی ماشین ایرانی خریده بودم الان چه روزی داشتم؟ می‌توانستم با خوشحالی یا دلخوری باقمیه کنار بگیرم و اکنون هزینه‌ای است که باید برای بر کرسی نشاندن افکار، ملگرایانه پاسی بدهم؟ اگر اینطور می‌شد، آیا می‌توانستم با خنده‌ها و متلک‌ها و گوشه و کنایه‌های آنهایی که مرا از این کار بر حذر داشته بودند و مدام انتظار داشت و تولیدکنندگان را مخیر کرد که از تولیدات بی‌کیفیت و گرانه‌های خود نهایت بهره‌رسانی و با خرید کالاها را لاجری خارجی و به هم زدن زندگی‌های لوکس و اشرافی به ریش خردپاران محترم حسابی بچندند!

فهمیدن پشت پرده خندیدن!

باقر رشادتی: خدا پیام‌ز چارلی جاپلین که معرف حضورتان است، در مصاحبه‌ای گفته بود: «خیلی تلاش کردم تا مردم بفهمند، اما آنها فقط خندیدند!» مشکلی در صداقت چارلی جاپلین زنده‌یاد و خلابی بر راستی سخن او وارد نیست. اما، آنهایی که می‌فهمند چرایی بهبود اوضاع معیشتی مردم کاری نمی‌کنند؟ مگر نه این است که همه‌اعظم، افاضل، جامعه‌شناسان، خبرگان و اقتصاددانان، ادعان دارند که سختی معیشت تا مغز استخوان مردم نفوذ و خون چکرشان کرده است، طوری که کم مانده است تا آنها را از پای در آورند! ولی کو گوش شنوا، چرا به تذکار آنها وقتی گذاشته نمی‌شود، به راستی چرا؟! آیا دستاویز قرار دادن شیوه‌ها یا منسوخ شده شایعه است، خیر این طوری نیست و «غلو» می‌کنند، «می‌خندند»، «می‌خندند دار نیست؟! به نظر می‌رسد صاحبان عقل و خرد، این چنین دستاویزها را مطلقاً برهنی‌تاند و قلب واقعبیت‌ها قلمداد می‌کنند. گفته‌اند که انسان از ۲ راه رشد و تحصیل آگاهی می‌کند: چشم و گوش. وقتی که این هر ۲ بسته یادربند و سطره‌ی روزمرگی باشند، فراره نیز حتماً به بن بست می‌خورد. خنده، خنده‌ها ق می‌کنند و حق باطل و باطل حق جلوه می‌کند!

خواجہ نصیرالدین طوسی و معلم یهودی

دکتر ابراهیم جعفری: روز معلم فرصتی است تا با نکوداشت استادانی که از طریق دانش و منش خود تسهیل کر شکوفایی و بالندگی شاگردان خود شدند، از آنان قدردانی کنیم. وقتی که به زندگی خواجہ نصیرالدین طوسی رجوع می‌کنیم، متوجه تربیتی می‌شویم که از طریق آن، به مرتبه‌الای علمی می‌رسد. تربیتی که تا بکجه بر آن، هیچ‌گاه از گورستانی که معلم یهودی‌اش به خاک سپرده شده، سواره نگذشته بود، بلکه از مرکب پایین آمد و به احترام او با پای پیاده طول باعرض گورستان را طی می‌کرده است! کسی نمی‌داند که معلم یهودی چه کسی بوده و چه بسانان مشهوری نبوده است؛ اما خواجہ نصیرالدین طوسی که فقیه، فیلسوف و دانشمند است، برای مقام و منزلت معلم خود چنین رابطه‌ای را تعریف می‌کند که در تکون شخصیت او تأثیر می‌گذارد.

شماره فاکس نیاز مندیها ۰۲۱-۲۲۲۲۴۸۸۶-۲۲۲۲۴۹۶۳

نیاز مندیها تلفنی آگهی می‌پذیرد ۰۲۱-۲۲۲۲۵۳۳۳

نیاز مندیهای اطلاعات

Table with 5 columns: Rank, Name, Address, Phone Number, and City. Lists various individuals and their contact information.

Table with 3 columns: Name, Address, and Phone Number. Lists individuals and their contact details.

Advertisement for 'نیاز مندیها' (Need Services) featuring a list of services, contact information, and a QR code. Includes a section for 'آگهی مفقودی' (Lost Notice).